

## نقش دولت در گذار توسعه‌ای هنگ‌کنگ

سعید صافی اردهایی<sup>۱</sup>، رجب ایزدی<sup>۲</sup>

- ۱- نویسنده مسئول\*، دانشجوی دکترای علوم سیاسی گرایش سیاستگذاری عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: [saeedsafi@ut.ac.ir](mailto:saeedsafi@ut.ac.ir)
- ۲- استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: [r.izadi@tabrizu.ac.ir](mailto:r.izadi@tabrizu.ac.ir)

چکیده	اطلاعات مقاله
<p><b>هدف پژوهش:</b> این پژوهش می‌کوشد با روش تحلیلی و با بهره‌گیری از داده‌های اسنادی به بررسی نقش دولت در گذار توسعه‌ای هنگ‌کنگ و چگونگی ایفای نقش سیاستگذاری توسعه‌ای توسط دولت و ویژگی‌های چنین دولتی بپردازد و با واکاوی اجزای این دولت بدانیم که چه چیزی باعث شد تا دولت هنگ‌کنگ بتواند ایفاگر نقشی کلیدی در این گذار توسعه‌ای باشد. سوال اصلی تحقیق عبارت است از: نقش دولت در گذار توسعه‌ای هنگ‌کنگ چه بوده است و این دولت دارای چه ویژگی‌هایی است که توانست گذار توسعه‌ای را راهبری کند؟</p> <p><b>روش پژوهش:</b> داده‌ها به روش تحلیل متن تحلیل شده و مباحث گذار توسعه‌ای و دولت توسعه‌گرا ادبیات نظری تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهند.</p> <p><b>یافته‌ها:</b> یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که توسعه فراتر از رشد اقتصادی بوده و مستلزم تغییرات رادیکال در نظام اجتماعی و صنعتی شدن از طریق نقش و کارکرد منحصر به فرد و ویژه دولتی توسعه خواه است. هنگ‌کنگ نیز با نقش آفرینی ویژه دولت و با استفاده از کلان مولفه‌هایی مانند عدم مداخله‌گرایی مثبت، اصل بازار بزرگ - دولت کوچک، ثبات اجرایی و اقتصادی بسیار بالا، دولت تسهیل‌گر، مداخله ظریف و سنجیده دولت برای اصلاح و تکمیل مکانیزم بازار و نگاه برون‌گرا موفق به گذار به یک وضعیت نسبتاً توسعه یافته اقتصادی شده است.</p> <p><b>نتیجه‌گیری:</b> دولت هنگ‌کنگ به این دلیل توانست امر توسعه را راهبری کند که از ویژگی‌هایی مانند نخبگان توسعه‌گرای منتخب هیئت نسبتاً جامعی از نخبگان اقتصادی و سیاسی و اداری و تجاری، قدرت دیوانسالاری و توانایی فنی بالا همراه با نظام شایسته سالار بوروکراتیک، استقلال نسبی از طبقات و گروه‌های اجتماعی و همزمان رابطه ویژه و هدفمند با بخش خصوصی تجاری، مدیریت جامعه مدنی پرتحرک و قوی، مشروعیت عملکردی و توانایی بالا در مدیریت موثر منافع اقتصادی غیردولتی برخوردار بود.</p>	<p><b>نوع مقاله:</b> پژوهشی</p> <p><b>تاریخچه مقاله:</b>  <b>دریافت:</b> ۱۴۰۴/۰۷/۲۱  <b>پذیرش:</b> ۱۴۰۵/۰۳/۱۹  <b>انتشار:</b> ۱۴۰۵/۰۴/۳۰</p> <p><b>کلید واژه‌ها:</b>            هنگ‌کنگ، دولت توسعه‌گرا، گذار توسعه‌ای، توسعه هنگ‌کنگ، اقتصاد سیاسی توسعه</p>

استناد: صافی اردهایی، س. ایزدی، ر. (۱۴۰۵). نقش دولت در گذار توسعه‌ای هنگ‌کنگ، *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ۱۵(۱)، ۲۲۶-۲۰۷. تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به نشریه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه تبریز می‌باشد.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY: 4 است.



[10.22034/jeds.2026.69677.1902](https://doi.org/10.22034/jeds.2026.69677.1902)

## مقدمه

امروز آسیای شرقی ثروتمندترین و مرفه‌ترین قسمت جهان خارج از مراکز صنعتی قدیمی اروپای غربی و آمریکای شمالی به شمار می‌آید. علی‌رغم اقتدارگرایی سیاسی، نقض حقوق بشر، سرکوب اتحادیه‌های کارگری، تبعیض جنسیتی و بدرفتاری با اقلیتهای قومی، شهروندان اقتصادهای شرق آسیا پیشرفت در درآمد و رفاه عمومی را تجربه کرده‌اند که در تاریخ بشر بی‌نظیر است. معجزه شرق آسیا<sup>۱</sup> تا قرن آسیایی<sup>۲</sup> واژگانی هستند که برای توصیف رشد اقتصادی خیره‌کننده آسیا در نیمه دوم قرن بیستم استفاده شده و یکی از نمونه‌های عالی این معجزه منطقه هنگ‌کنگ است. هنگ‌کنگ با عنوان رسمی منطقه اداری ویژه هنگ‌کنگ<sup>۳</sup> متشکل از جزایر لانتائو<sup>۴</sup>، هنگ‌کنگ و قریب به ۲۰۰ جزیره بسیار کوچک با مساحت ۱۱۱۵ کیلومتر مربع و جمعیت ۴/۷ میلیون نفری یکی از متراکم‌ترین نقاط جهان است. این منطقه از شمال به استان گوانگ‌دونگ<sup>۵</sup> چین و از سایر جهات به دریای چین محدود است. هنگ‌کنگ دارای آب و هوای استوایی و باران‌های شدید موسمی، تابستان‌های شرجی و مرطوب و بطور کلی ویژگی‌های عمومی آب و هوای استوایی جنوب شرق آسیاست. واحد پول منطقه دلار هنگ‌کنگ است که هر یک دلار آمریکا تقریباً معادل ۷/۷۵ دلار هنگ‌کنگ است. کمبود شدید زمین در هنگ‌کنگ باعث اوج‌گیری ساخت و ساز برج‌های مرتفع شده بطوری‌که شهر هنگ‌کنگ پر از آسمان‌خراش‌هاست و در این زمینه یکی از بالاترین نرخ‌های برج‌سازی در جهان را داراست. بالای ۹۰ درصد جمعیت منطقه را چینی‌ها و بقیه از کشورهای دیگر به ویژه جنوب شرق آسیا و بریتانیا می‌باشند. ۹۰ درصد جمعیت منطقه را بودایی‌ها تشکیل می‌دهند و ۱۰ درصد نیز شامل هندوئیسم، تائوئیسم، مسیحیت و اسلام و ... است. زبان رسمی مردم هنگ‌کنگ، کانتونی هنگ‌کنگی<sup>۶</sup> (چینی ساده شده یا چینی سنتی-شاخه‌ای از زبان چینی اما متفاوت با شاخه ماندارین رایج در سرزمین اصلی) است اما انگلیسی زبان رایج و اول در ادارات دولتی، شرکت‌ها، دانشگاه‌ها، سیستم قضایی و کسب و کار و تجارت است.

هنگ‌کنگ علی‌رغم وسعت کوچک‌اش توانسته خود را به یکی از رقابتی‌ترین اقتصادهای جهان تبدیل کند. هنگ‌کنگ در رتبه‌بندی‌های رقابت‌پذیری جهانی مانند گزارش سالانه رقابت جهانی ارائه شده توسط موسسه IMD<sup>۷</sup> یا فهرست رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد<sup>۸</sup> (۲۰۱۷) همیشه حائز رتبه تک رقمی بوده است. علاوه بر این بانک جهانی هنگ‌کنگ را در رتبه چهارم جهانی از نظر سهولت کسب و کار قرار داده و میزان تولید ناخالص داخلی هنگ‌کنگ در سال ۲۰۲۴ به میزان ۴۰۷ میلیارد دلار رسیده که این منطقه را در رتبه ۱۴۰ام جهان (بانک جهانی، ۲۰۱۷ و ۲۰۲۴) بالاتر از ایران رتبه ۴۱امی قرار داده است (استاتیستا<sup>۹</sup>، ۲۰۲۴).

اینکه یک منطقه کوچک پر از تپه ماهور، فاقد منابع طبیعی و زمین برای کشاورزی تبدیل به یکی از چهار ببر آسیا و یکی از مهمترین مراکز مالی-دریایی جهان با بالاترین شاخص‌های آزادی<sup>۱۰</sup> و امنیت اقتصادی و جریان سرمایه شده است اتفاقی نیست و نگاه پژوهشگران توسعه و اقتصاد سیاسی را به خود جلب کرده است.

در حقیقت یکی از کشورهای منطقه شرق آسیا که توانست با استفاده از نقش کلیدی دولت‌گذار توسعه‌ای را تجربه کند و از منطقه‌ای کوچک به یکی از مراکز مهم مالی-ترانزیتی جهان که سالانه پذیرای میلیاردها دلار سرمایه خارجی است تبدیل شود، هنگ‌کنگ است. خیز توسعه‌ای<sup>۱۱</sup> این منطقه از اوایل دهه ۱۹۷۰ شروع و تا اواخر دهه ۱۹۹۰ شتابان به پیش

1. The Miracle of East Asia
2. Asian Century
3. Special Administrative Region (SAR)
4. Lantau Island
5. Guangdong Province
6. Hong Kong Cantonese
7. IMD Business School
8. World Economic Forum
9. Statista
10. World Press Freedom Index
11. Take Off

رفت. هنگ کنگ در مسیر توسعه خود توقف‌های کوتاه مدتی مانند بحران مالی شرق آسیا در ۱۹۹۷ و بحران جهانی ۲۰۰۸-۲۰۰۹ را پشت سر گذاشته و رشدهای اقتصادی بالا تا هم امروز (۲۰۲۵) امتداد دارد. در مقاله حاضر بیشتر به بررسی خیز توسعه‌ای در نیمه دوم قرن بیستم می‌پردازیم هرچند آمارهای جدیدتر قرن بیست و یکمی را نیز آورده و تحلیل می‌کنیم. لازم به ذکر است با توجه به اینکه هنگ کنگ پیش از ۱۹۹۷ تحت کنترل انگلستان قرار داشت و پس از آن تا به امروز بخشی از چین و تحت حاکمیت دولت مرکزی پکن قرار داشته و دولت مستقلی محسوب نمی‌شود اما چون در امور اقتصادی و اجرایی و تقریباً همه سایر بخش‌ها به‌جز سیاست خارجی و دفاعی عملکردی مستقل از کشور چین دارد ما اصطلاح دولت را با اغماض در مورد هنگ کنگ به کار می‌بریم و مقصود ما از دولت نیز نوعی دولت اجرایی است که اداره هنگ کنگ را عهده دار است.

نقش کلیدی دولت اجرایی هنگ کنگ در این گذار توسعه‌ای ما را بر آن داشت تا به بررسی این نقش، چگونگی ایفای سیاستگذاری توسعه‌ای توسط دولت و ویژگی‌های چنین دولتی بپردازیم و با واکاوی اجزای این دولت بدانیم که چه چیزی باعث شد تا دولت هنگ کنگ بتواند ایفاگر نقشی کلیدی در این گذار توسعه‌ای باشد. چنین دولتی دارای ویژگی‌هایی بوده است که آن را از دولت‌هایی مانند فیلیپین و تایلند متمایز ساخته و توانسته کارکردهای توسعه‌ای پیدا کند. پس سوال اصلی تحقیق عبارتست از:

"نقش دولت در گذار توسعه‌ای هنگ کنگ چه بوده است و این دولت دارای چه ویژگی‌هایی است که توانست گذار توسعه‌ای را راهبری کند؟". فرض ما در تحقیق حاضر آن است که دولت هنگ کنگ به دلیل اینکه واجد ویژگی‌های دولت توسعه‌گرای لفتویچ بود، توانست کارکردهای توسعه‌ای پیدا کرده و در مسیر توسعه قرار گیرد.

## گذار توسعه‌ای و دولت توسعه‌گرا

موثقی (۱۳۹۶) معتقد است توسعه فراتر از رشد اقتصادی بوده و مستلزم تغییرات رادیکال در نظام اجتماعی و جابجایی طبقاتی و صنعتی شدن از طریق نقش و کارکرد دولتی توسعه خواه است. کشورهای آسیای شرقی توانستند یک گذار توسعه‌ای و انقلاب از بالا را با هدایت دولت و در چارچوب نوعی سرمایه‌داری تجربه کرده و به رشد و توسعه مداوم دست یابند. ایده‌های صادراتی برآمده از ایدئولوژی لیبرال به کشورهای در حال توسعه علی‌الخصوص خاورمیانه و شمال آفریقا رضایت بخش نبود. کشورهایی نیز یافت می‌شوند که دست به ترکیب ایده‌های سوسیالیستی با استقلال خواهی زده و نوعی پوپولیسم را دنبال کردند و در این میان مکاتبی چون وابستگی و نظام جهانی رای به قطع رابطه کشورهای در حال توسعه با جهان غرب داد و نتیجه این تحولات این بود که این کشورها از مدار سنت خارج شدند اما به مدار مدرن نیز وارد نشدند (صافی، ۱۴۰۳). اما کشورهای آسیای شرقی گونه متفاوتی از دولت، ایدئولوژی و سیاست‌ها را به کار بستند و نتایج بسیار مثبت‌تری گرفتند و توانستند با راهبری دولت توسعه‌خواه امر توسعه را پیش برده و خود را در جرگه کشورهای پیشرفته اقتصادی ببینند. فرق این کشورها با کشورهای خاورمیانه و در حال توسعه در ماهیت دولت و سیاست‌های آن است که این چنین تجربه متفاوتی را به ارمغان آورده است. دولت‌های آسیای شرقی توانستند با کاربست درست نظریات مدرنیته و توجه به مراحل تاریخی و آغازین توسعه و درک عدم وجود نسخه واحد برای همه کشورها و تفاوت در بسترهای آسیای شرقی با جهان غرب سیاست‌هایی را اتخاذ کنند که برای بستر کشورشان مفید و موثر باشد و نه مانند اکثریت کشورهای در حال توسعه که چشم بسته سیاست‌های نئولیبرال و یا سوسیالیستی را اتخاذ و اجرایی کردند و به دلیل نادیده گرفتن تفاوت در بسترها و مراحل تاریخی و خاص در توسعه گرفتار بحران‌های بزرگ سیاسی و اقتصادی گشتند. در حقیقت کشورهای آسیای شرقی بومی‌سازی مدرنیته با توجه به بسترهای خاص سیاسی، اجتماعی، اقتصادی خاص هر کشور را دنبال نمودند و این رمز موفقیت آنها بود. ها-جون چانگ<sup>۱</sup> معتقد است این پیشرفت در کشورهای آسیای شرقی مرهون رد "بازارگرایی و آزادسازی صرف" و اصطلاحاً

سیاست‌های اجماع واشنگتن<sup>۱</sup> در اقتصاد آنها و نشان دادن چهره‌ای متفاوت از مسیر توسعه در پندار رایج در غرب است (چانگ، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ و ۲۰۰۷).

لازم به ذکر است بگوئیم که نوسازی و توسعه شامل فرایندهایی از دگرگونی‌های رادیکال در نظم نهادی و ساختاری است که کل نظام اجتماعی را از یک مبدا غیر عقلانی، غیر بازاری و قبیله‌ای به یک مقصد عقلانی، بروکراتیک، صنعتی و ملی صورت‌بندی می‌کند و این یک فرایند انقلابی‌ست. چیزی که کارل پولانی<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) آن را دگرگونی بزرگ<sup>۳</sup> لقب می‌دهد. این فرایند در غرب قرن‌ها به طول انجامید، از پایین یعنی جامعه شروع و به بالا یعنی دولت سرایت نمود. از گالیه و انقلاب کوپرنیکی تا هگل و دکارت تا جدایی کلیسا از دولت و سقوط امپراطوری مقدس روم و تا پروتستانتیزم و جنگ‌های ناپلئونی و ... . غرب این مسیر چند قرنه را پیمود اما در کشورهای در حال توسعه به دلیل بستر متفاوت، ضعف جامعه، تاریخ و اتمسفر متفاوت از غرب این فرایند به این صورت نمی‌تواند طی شود و راهبری امر توسعه مستلزم انقلاب از بالا با نقش آفرینی دولتی توسعه خواه است. در جهان غیر غرب هیچ بازیگری به اندازه دولت نمی‌تواند در راهبری امر توسعه موفق باشد و تنها دولت است که توان تغییرات رادیکال در ساختارهای نهادی، اجتماعی، اداری و حتی فرهنگی مردم و هدایت آن در جهات توسعه‌ای و برقراری نظم مدرن را دارد. در کشورهای در حال توسعه این دولت است که می‌تواند با اتخاذ و اجرایی کردن سیاست‌های صنعتی کشور را به سمت توسعه صنعتی به عنوان موتور محرکه توسعه ببرد (چانگ، ۲۰۱۰).

فرمول توسعه را رشد اقتصادی به علاوه تغییرات ساختاری و اساسی دانسته‌اند که در هر دو مولفه رشد اقتصادی و تغییرات بنیادین نقش دولت توسعه‌خواه برجسته بوده و این دولت است که کشور را به سمت توسعه گذار می‌دهد و تنها دولت‌هایی می‌توانند فرایند گذار توسعه‌ای را راهبری کنند که دارای ویژگی‌های دولت‌های توسعه محور باشند. دولت و ترتیبات نهادی کلیدی‌ترین نقش در گذار توسعه‌ای را بر عهده دارند و این نقش از طریق مداخلات دولت توسعه‌گرا صورت می‌پذیرد که بدان می‌پردازیم.

واژه دولت توسعه‌گرا به عنوان یک واژه انتزاعی از دل تجربه توسعه ژاپن و سپس برخی کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا وارد ادبیات توسعه گردید. تجربه رشد اقتصادی کشورهای چینی، تایوان، سنگاپور، چین، هنگ‌کنگ و مالزی (لفت‌ویچ، ۱۴۰۰) و افزایش سطح رفاه و استانداردهای زندگی مردم این کشورها باعث شد پدیده‌ای رخ دهد که از آن تحت عنوان معجزه اقتصادی یاد می‌شود. علی‌رغم تفاوت‌های موجود میان این کشورها، بیشتر نظریه‌پردازان عامل موفقیت این کشورها را در عرصه سیاسی و نهادی این کشورها جستجو می‌کردند و نظریه دولت توسعه‌گرا با عطف به عرصه سیاست و "پیوند اقتصاد و سیاست" و موضوع "دولت" به عنوان کانون توسعه، صورت‌بندی گردید (لفت‌ویچ، ۱۴۰۰: ۲۴۹).

برای دولت توسعه‌گرا دو بعد ایدئولوژیک و ساختاری قائل شده‌اند. از لحاظ ایدئولوژیک چنین دولتی اساساً توسعه‌گراست و وظیفه اصلی یا رسالت اصلی خودش را رهنمون کردن کشور به سمت توسعه می‌داند. هایامی<sup>۵</sup> (۱۳۹۴) توسعه‌گرایی را نوعی ایدئولوژی می‌داند که هم موجب ارزش آفرینی مادی و هم موجب حصول اعتبار و امنیت ملی می‌شود (هایامی، ۱۳۹۴: ۲۷۰). دولت‌های توسعه‌گرا عموماً از نوع سرمایه‌داری بوده و مقصد این دولت‌ها لیبرالیسم اقتصادی است. (لفت‌ویچ، ۱۴۰۰: ۲۴۹) و تفاوت مداخله دولت سوسیالیستی با مداخلات دولت توسعه‌گرا در این است که مداخله‌گرایی دولت توسعه‌گرا به قدرت و توانایی دولت در هدایت اقتصادی به سمت سرمایه‌داری است و این مداخلات به مقصد سرمایه‌داری اعمال می‌شود هرچند در مراحل اولیه با اصول بازاری ظاهراً تطابق نداشته باشند (جانسون، ۱۹۸۲؛ وید، ۱۹۹۰).

1. Washington Consensus  
2. Polanyi, Karl  
3. Great transformation  
4. Chang  
5. Hayami, Yujiro

در جنبه ساختاری نیز بر توانایی دولت برای اجرای هوشمندانه و مؤثر سیاست‌های اقتصادی تأکید شده است. این توانایی‌ها شامل توانایی‌های گوناگون نهادی، فنی، اداری و سیاسی می‌شود. اگر دولتی هر دو ویژگی‌های ایدئولوژی توسعه‌گرایانه و ساختار توانمند و چابک را داشته باشد، چنین دولتی را اصطلاحاً دولت قوی می‌نامند.

دولت توسعه‌گرا دولتی است که با استفاده از قدرت، استقلال از طبقات و گروه‌ها و اقشار اجتماعی و توانایی نهادی و دیوانسالارانه کشور را به توسعه اقتصادی رهنمون کند، ظرفیت نهادی برای تعقیب اهداف توسعه‌ای را در خود داشته و دارای ارتباط ریشه‌دار با بخش خصوصی باشد (لفت ویچ، ۱۴۰۰) و با این تفاسیر، مهم‌ترین ویژگی‌های دولت توسعه‌گرا از منظر لفت ویچ عبارتست از:

### الف) نخبگان توسعه‌گرا

تقسیم جوامع به دو گروه نخبه و توده و هدایت توده توسط نخبگان جزو اساسی نظریه نخبگان است که به نظریه دولت توسعه‌گرا وارد شده است. نظریه‌پردازان نخبه‌گرایی نخبگان را گروهی منسجم می‌دانند که قدرت را در اختیار دارند. حتی افرادی مانند ژوزف شومپیتر و سی رایت میلز معتقدند که در دموکراسی‌ها نیر اقلیت نخبه هستند که بر بقیه حکومت می‌کنند (بشیریه، ۱۴۰۲).

از نظر چالمرز جانسون (۱۹۸۲) دولت‌های توسعه‌گرا بیش و پیش از همه بر حسب اولویت‌هاشان تعریف می‌شوند، یعنی تعهد خلل ناپذیر نخبگان سیاستگذار به هدف اصلی که همانا توسعه اقتصادی است، هسته اصلی تعریف دولت توسعه‌گراست (جانسون<sup>۱</sup>، ۱۹۸۲: ۳۰۵).

از نظر مبدع نظریه دولت توسعه‌گرا یعنی چالمرز جانسون، دولت‌های توسعه‌گرا جهت کنترل محیط بی‌ثبات داخلی و خارجی مجبورند به اقتدارگرایی روی آورند و برای جبران مشروعیت نهادی مانند انتخابات دموکراتیک به مشروعیت ابزاری شیف‌ت می‌کنند و یکی از راه‌های مناسب برای دستیابی به مشروعیت ابزاری، انتخاب استراتژی صنعتی شدن سریع بود (چانگ، ۱۳۹۷).

نخبگان توسعه‌گرا کادری کوچک از سیاستمداران و مقامات دولتی ارشد هستند که در ایجاد نظام توسعه و فرهنگ آن نقش آفرینی می‌کنند (لفت ویچ، ۱۹۹۵). نخبگان توسعه‌گرا دارای پیوندهای استراتژیک با طبقه سرمایه‌دار هستند، ائتلاف نخبگان توسعه‌گرا با طبقاتی چون کارگر و زمین‌دار و طبقه پایین شهری موجب اتخاذ سیاست‌های پوپولیستی و ارتجاعی و ضد توسعه‌گرایانه توسط آنان می‌شود.

### ب) استقلال نسبی دولت

استقلال نسبی نخبگان و نهادهای دولتی دیگر ویژگی دولت‌های توسعه‌گرا می‌باشد. دولت توسعه‌گرا، استقلال دارد یعنی اینکه این دولت می‌تواند در برابر خواسته‌های گروه‌ها و طبقات گوناگون، آزادی عمل نسبی داشته باشد. هانتینگتون در مبحث استقلال دولت‌ها مسئله درجه استقلال نهادها و سازمان‌های سیاسی را مطرح می‌کند. درجه استقلال سازمان سیاسی از نیروهای اجتماعی یکی از معیارهای نهادمندی مدنظر هانتینگتون می‌باشد. به اعتقاد هانتینگتون مصالح و ارزش‌های خاص این سازمان‌ها متمایز از مصالح و ارزش‌های نیروها و طبقات اجتماعی است و به هیچ وجه تابعی از آنها نیست (هانتینگتون، ۱۴۰۰: ۳۶-۳۷).

استقلال نسبی دولت برای به انضباط درآمدن سرمایه‌های خصوصی و هدایت بازار و دستیابی به عملکرد اقتصادی و رشد مداوم ضروری است. در دولت‌هایی که فاقد ویژگی استقلال هستند، دولت بازپچه نیروها و طبقات اجتماعی مختلف شده و ائتلاف‌های رانت جویانه و غیر توسعه‌گرایانه‌ای میان نخبگان غیردولتی و نخبگان دولتی به وجود می‌آید که شدیداً ضد توسعه‌گرایی است (آمسدن<sup>۲</sup>، ۱۹۸۹).

شایان ذکر است که دولت توسعه‌گرا از میان همه طبقات اجتماعی دارای روابط ویژه با طبقه سرمایه‌دار است و با شراکت راهبردی با این طبقه است که امر توسعه را جلو می‌برد (چانگ، ۲۰۰۲: ۱۹۵).

### ج) قدرت دیوانسالارانه و سازمان راهبری مرکزی

قدرت، کارآمدی و استقلال دیوان سالاری یکی از ملزومات توسعه اقتصادی است و در تمامی دولت‌های توسعه‌گرا نهادهایی به عنوان طراح و مجری سیاست‌های اقتصادی، امر توسعه را به پیش می‌برند و همچنین این نهادها دارای قدرت واقعی، اقتدار فنی و استقلال نسبی در شکل‌دهی به اجرای سیاست‌های توسعه هستند. این دیوانسالاری‌ها برکنار از فشار گروه‌های اجتماعی به امر سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌ها می‌پردازند. در این گونه دیوانسالاری‌ها این ضابطه و قانونمندی است که بر رابطه و رانت غلبه دارد (لفت ویچ، ۱۴۰۰: ۱۰۰، لفت ویچ، ۲۰۰۰: ۲۵۶-۲۵۸).

بروکراسی اقتصادی وظیفه شکل دادن و هدایت توسعه اقتصادی را بر عهده داشته و به عنوان مراکز اصلی جهت‌گیری راهبردی اقتصادی در دولت‌های توسعه‌گرا عمل می‌کنند و نوعی ستاد کل اقتصادی هستند (وید، ۱۹۹۰: ۱۹۶). میتی<sup>۱</sup> ژاپن یا هیئت توسعه اقتصادی سنگاپور<sup>۲</sup> نمونه‌هایی از بروکراسی اقتصادی می‌باشند. این بروکراسی یک جسم بی‌روح هست که توسط روح ایدئولوژی ناسیونالیستی و توسعه‌خواهی که از آن مشتق شده است به حرکت در می‌آید. از نظر هاسو<sup>۳</sup> (۲۰۱۷) این نهادینه‌شدگی بروکراسی بر بستر وسیع‌تر محیط اجتماعی و فرهنگی صورت می‌پذیرد.

### د) جامعه مدنی ضعیف و کنترل شده

جامعه مدنی مجموعه‌ای از نهادها، انجمن‌ها و تشکل‌های اجتماعی مستقل از دولت و قدرت سیاسی است که در صورت‌بندی قدرت سیاسی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. در دولت‌های توسعه‌گرا (در کشورهای در حال توسعه) جامعه مدنی یا بدواً قدرت چندانی نداشته و ضعیف بوده (که در بیشتر موارد اینطور بوده است) و یا دولت توسعه‌گرا در این جوامع توانسته است برکنار از فشارها و مطالبات حقوق بشری، لیبرالی و دموکراتیک جامعه مدنی، آن را مهار و بدون مزاحمت‌های احتمالی جامعه مدنی، فرایند توسعه را در مراحل اولیه با اقتدار به پیش ببرد (لفت ویچ، ۲۰۰۰: ۲۸۵).

شواهد تجربی حاکی از آن است که در دولت‌های توسعه‌گرا، فرضیه رابطه مثبت میان جامعه مدنی ضعیف با پیشبرد فرایند توسعه (حداقل در مراحل آغازین آن) درست تر بنظر می‌آید. لازم به ذکر است که وجود حداقلی از جامعه مدنی برای جلوگیری از توتالیتر شدن حکومت و بیش از حد امنیتی شدن فضای جامعه کاملاً ضروری بنظر می‌رسد. البته در مراحل بعدی توسعه در دولت‌های توسعه‌گرا و با افزایش درآمدهای ملی و به تبع آن درآمد سرانه، جامعه مدنی به تدریج رو به قوت حرکت می‌کند.

### ه) مدیریت منافع بخش خصوصی

دولت توسعه‌گرا با استفاده از نفوذ سیاسی نخبگان توسعه‌گرا و ارتباط داخلی بروکراسی اقتصادی با واسطه استقلال نسبی، منافع اقتصادی غیردولتی را به طور موثر مدیریت و توانایی بخش خصوصی را به سمت اهداف ملی سوق می‌دهد (لفت ویچ، ۱۹۹۵). جذب سرمایه و شرکت‌های خارجی و مدیریت روابط دولت و شرکت‌های خصوصی داخلی با آنها نیز وظیفه‌ای است که ذیل آن تعریف می‌شود. شایان ذکر است که دیپلماسی فعال اقتصادی از ابزارهای مهم انجام این وظیفه است.

1. Wade  
2. Ministry of International Trade and Industry (MITI)  
3. Singapore's Economic Development Board  
4. Hsu

## ی) مشروعیت عملکردی

دولت‌های توسعه‌گرا با اطمینان از توزیع مناسب مزایای حاصل از نرخ رشد بالایی که حصول کرده‌اند قادر به حفظ حاکمیت و مشروعیت خود هستند و این یعنی جایگزینی مشروعیت دموکراتیک با عملکردی. حتی نمونه‌هایی وجود دارد که اگر مشروعیت عملکردی افت کند مشروعیت سیاسی نیز به خطر می‌افتد. کناره‌گیری سوهارتو از قدرت در اندونزی پس از بحران مالی آسیا در ۱۹۹۷ مثالی برای این مدعاست (ژو، ۲۰۱۱). در اینجا باید گفت که یک رابطه ذاتی و ضمنی میان دولت توسعه‌گرا و سیاست صنعتی وجود دارد (لاو، ۲۰۱۱a) و دولت توسعه‌گرا خود را ملزم به توسعه تجاری-صنعتی کشور و ایجاد ثروت و مشروعیت از این طریق می‌داند.

## روش‌شناسی

برای پاسخ به سوال اصلی تحقیق و اثبات فرضیه، پس از بیان مقدمه کوتاهی که در بالا اشاره رفت ابتدا به واکاوی مفاهیم نظری گذار توسعه‌ای و واکاوی نقش کلیدی دولت در این عرصه می‌پردازیم و سپس در گام بعدی ادبیات نظری دولت توسعه‌گرا را بررسی خواهیم کرد و پس از آن وارد هسته اصلی تحقیق حاضر یعنی گذار توسعه‌ای در هنگ کنگ توسط دولتی توسعه‌خواه خواهیم شد. برای بیان این مسئله با استفاده از داده‌های کیفی و کمی به دست آمده از کتابخانه که به روش تحلیل اسنادی، تحلیل شده‌اند ابتدا تاریخچه توسعه هنگ کنگ و شکل‌گیری دولت توسعه‌گرا در این منطقه را بررسی و سپس مهمترین رویکردها و راهبردهایی که این دولت در سیاستگذاری توسعه‌ای اعمال کرده را کشف می‌کنیم. برای پاسخ به قسمت دوم سوال تحقیق یعنی ویژگی‌های دولتی که توانسته گذار توسعه را راهبری کند و اثبات اینکه فقط دولت توسعه‌خواه با ویژگی‌های خاص گفته شده توسط لفت و بیچ می‌تواند ایفاگر چنین نقشی باشد، به واکاوی اجزای دولت هنگ کنگ و سنجش وضعیت این دولت با متغیرهای مدنظر لفت و بیچ برای دولت توسعه‌گرا خواهیم پرداخت تا عیار توسعه‌گرایی این دولت سنجیده شود.

## یافته‌های پژوهش

### گذار توسعه‌ای در هنگ کنگ: تاریخچه، رویکردها و مولفه‌ها

هنگ کنگ تا قبل از ۱۸۴۲ همواره جزئی از سرزمین اصلی چین به شمار می‌رفت تا اینکه در همین سال و در اثر پیروزی انگلستان در جنگ اول تریاک به تصرف انگلیسی‌ها درآمد. انگلستان در سال ۱۸۶۰ شبه جزیره کارلون که روبروی هنگ کنگ بود را نیز به تصرف خود درآورده و هر ۲ منطقه که همواره جزو خاک چین بودند را طی قراردادی ۹۹ ساله از ۱۸۹۸ تا ۱۹۹۷ اجاره نمود. پس هنگ کنگ مدرن در سال ۱۸۴۲ به عنوان پایگاه و یک مرکز بازرگانی پررونق برای استعمار انگلستان تاسیس شد. هنگ کنگ در دهه ۱۹۰۰ خدمات مالی و حمل و نقل مربوط به بازرگانی دریایی را بر عهده گرفت و خود را به عنوان مهمترین مرکز مالی-دریایی انگلستان در شرق آسیا مطرح نمود (رید، ۲۸:۱۹۸۰).<sup>۳</sup> در اواسط قرن بیستم هنگ کنگ از تأثیرات حوادث پیرامونی مصون نماند. اشغال توسط ژاپن (۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵) جنگ شبه جزیره کره، جنگ داخلی چین و تایوان و جنگ‌های جهانی اول و دوم اثرات مخربی بر صادرات و تجارت و خدمات مالی ترانزیتی گذاشت (شنک، ۲۰۰۱).<sup>۴</sup> افزایش پناهجویان چینی که از سرزمین اصلی (یا چین کمونیست) به هنگ کنگ آمده بودند جمعیت هنگ کنگ را افزایش و البته نیروی کار ماهر و ساده و سرمایه هنگ کنگ را به شدت زیاد و زمینه‌های یک توسعه اقتصادی و افزایش تولید ثروت را فراهم نمود (مشکات و مشکات، ۲۰۱۶).<sup>۵</sup> این کار و سرمایه به عنوان عوامل اصلی تولید به هنگ کنگ این امکان را داد تا

1. Zhu

2. Low

3. Reed, H.C

4. Schenk, C. R

5. Mushkat, M. and Mushkat, R

صنایع کاربر و بخش خدمات این کشور پیشرفت قابل توجهی نماید. تعاملات هنگ کنگ با خاک اصلی و حکومت مرکزی پکن نیز همواره برقرار بود. در دهه ۱۹۸۰ و با شروع اصلاحات تحت رهبری دنگ شیائوپینگ، هنگ کنگ اهمیتی مضاعف پیدا نمود. هنگ کنگ دروازه ارتباط چین با جهان (مخصوصاً جهان غرب) شد بطوریکه حدود ۳۰ الی ۵۰ درصد داد و ستد خارجی چین از طریق هنگ کنگ انجام می‌شد. هنگ کنگ تبدیل به "غرب فوری" برای سرزمین اصلی چین و "چین فوری" برای جهان غرب شده بود (نگوک، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۶).<sup>۱</sup>

هنگ کنگ تحت تاثیرات سرزمین اصلی نیز بود. انتقال شرکت‌های تولیدی از هنگ کنگ به دلتای رودخانه مروارید<sup>۲</sup> در ۱۹۷۹ و تبدیل آن به شهر محل جذب و ظهور صنعت اقتصاد نوپای چین باعث خالی شدن هنگ کنگ از صنایع تولیدی و سنگین و باقی ماندن مراکز مالی در این شهر گردید که تاثیرات خود را بر شیفت هنگ کنگ از صنایع خدماتی و کاربر به فعالیت‌های مالی گذاشته است (ویسینک و همکاران، ۲۰۱۷).<sup>۳</sup>

هنگ کنگ در سال ۱۹۹۷ به سرزمین اصلی بازگشت اما بدلیل استقلال نسبی در همه امور (بجز دفاعی و سیاست خارجی) روند توسعه هنگ کنگ همچنان رو به جلوست. هنگ کنگ توانسته خود را به یکی از رقابتی‌ترین اقتصادهای جهان و سومین مرکز مالی مهم دنیا پس از نیویورک و لندن تبدیل کند. هنگ کنگ در رتبه‌بندی‌های رقابت‌پذیری جهانی مانند گزارش سالانه رقابت جهانی<sup>۴</sup> یا فهرست رقابت‌پذیری مجمع جهانی اقتصاد<sup>۵</sup> (۲۰۱۷) همیشه حائز رتبه تک رقمی بوده است. علاوه بر این بانک جهانی هنگ کنگ را در رتبه چهارم جهانی از نظر سهولت کسب و کار قرار داده و تولید ناخالص داخلی هنگ کنگ در سال ۲۰۲۴ به میزان ۴۰۷ میلیارد دلار رسیده است (بانک جهانی، ۲۰۱۷ و ۲۰۲۴). برای ایضاح مطلب جدول تولید ناخالص داخلی هنگ کنگ طی دهه‌های گذشته در جدول زیر آمده است:

جدول شماره ۱: تولید ناخالص داخلی هنگ کنگ

سال	تولید ناخالص داخلی
۱۹۷۰	۸.۳ میلیارد دلار
۱۹۸۰	۸۶.۲۸ میلیارد دلار
۱۹۹۰	۹۳.۷۶ میلیارد دلار
۱۹۹۷	۴.۱۷۷ میلیارد دلار
۲۰۱۰	۶.۲۲۸ میلیارد دلار
۲۰۲۴	۴۰۷ میلیارد دلار

منبع: countryeconomy

تولید ناخالص داخلی اندازه اقتصاد کشور را نشان می‌دهد و همانطور که ملاحظه می‌شود اقتصاد هنگ کنگ طی دهه ۱۹۷۰ حدود ۷ برابر، دهه ۱۹۸۰ حدود ۵.۲ برابر<sup>۶</sup> و از زمان بازگشت به چین تاکنون نیز ۳.۲ برابر شده است که ارقام بسیار بالایی محسوب می‌شود. بزرگی این ارقام وقتی فهمیده می‌شود که بدانیم تولید ناخالص داخلی کشورهای وسیع‌تر و پرجمعیت‌تری مانند پاکستان و فیلیپین در سال ۲۰۲۴ به ترتیب ۳۷۳ و ۴۶۱ میلیارد دلار و تولید ناخالص داخلی کشورهای کم جمعیت و کم وسعت و اصطلاحاً هم سائز هنگ کنگ مانند قطر و کویت در سال ۲۰۲۴ به ترتیب ۲۱۷ و ۱۶۰ میلیارد دلار بوده است و کشورهای فوق دارای منابع فراوان نفتی و گازی هستند و این درحالیست که هنگ کنگ فاقد منابع طبیعی است.

1. Ngok, M
2. Pearl River Delta (PRD)
3. Wissink, B. , Koh, S. Y. , and Forrest, R
4. IMD
5. World Economic Forum Competitiveness Index

۶. به دلیل همین رشدهای خیره کننده بود که هنگ کنگ یکی از ۴ اقتصاد شتابان منطقه یا بر آسیا طبقه‌بندی شد.

عوامل بسیاری باعث قرار گرفتن هنگ کنگ در مسیر توسعه شده است. هنگ کنگ یکی از پیشرفته‌ترین سیستم‌های حمل و نقل آبی، ریلی، فرودگاهی و بندری در جهان را دارد و از نظر زیرساخت‌های حمل و نقلی و ترانزیتی بسیار پیشرفته است. اقتصاد این منطقه از اول برای تجارت، داد و ستد و مرکز دریایی-مالی بودن ساخته شده و فضای منطقه هنگ کنگ نیز از ابتدا فضای مالی-بازرگانی بوده است.

موقعیت سوق الجیشی هنگ کنگ نیز در توسعه آن نقش مهمی ایفا کرده بطوریکه این منطقه در مسیر ژاپن، تنگه مالاکا، آسیا-اقیانوسیه قرار داشته و دروازه ارتباطی چین با غرب آسیا و دروازه ارتباطی جنوب شرق آسیا با سایر مناطق است و دولت از این مزیت سوق الجیشی به خوبی استفاده کرده است. عمق بالای آب در سواحل منطقه باعث شده که هنگ کنگ یک بندر طبیعی عمیق باشد که از دیرباز مکانی مناسب برای لنگرانداختن کشتی‌ها و بازرگانی دریایی و یکی از شلوغ‌ترین بنادر کانتینری بین‌المللی شناخته شود که نقش مهمی در تجارت و حمل و نقل کالا در منطقه جنوب شرق آسیا دارد. این بندر به دلیل موقعیت استراتژیک خود، زیرساخت‌های پیشرفته و تاریخی غنی در کشتیرانی، مورد توجه شرکت‌های حمل و نقل و لجستیک از سراسر جهان است (شورای توسعه تجارت هنگ کنگ،<sup>۱</sup> ۲۰۲۴).

اینکه هنگ کنگ توانسته بعنوان سومین مرکز مالی مهم در جهان باشد معلول سیستم بانکی هنگ کنگ است که بسیار پیشرفته بوده و مبادلات تجاری-مالی را بسیار آسان و ارزان انجام می‌دهد و بعنوان یک مرکز مالی مهم، امن و پیشرفته برای مبادلات مالی و جریان سیال سرمایه بین کشورهای جهان و تجار بین‌المللی شناخته شده است و ازین جهت در کنار سنگاپور دارای موقعیت ویژه در جهان است (وو،<sup>۲</sup> ۲۰۱۵).

علاوه بر این منطقه خودمختار هنگ کنگ دارای صنعت گردشگری پررونق بوده بطوریکه مقصد گردشگری و خرید برای جهانیان علی‌الخصوص ثروتمندان چین و منطقه جنوب شرق آسیاست. شایان ذکرست که سالانه حدود ۲۰ میلیون نفر گردشگر از هنگ کنگ بازدید می‌کنند و ازین نظر نیز رتبه بالایی بین مقاصد گردشگری در جهان دارد (شاخه تجارت، صنعت و توریسم،<sup>۳</sup> ۲۰۲۴).

بخش خدمات هنگ کنگ که دارای سهم بالایی از تولید ناخالص داخلی است در طول قرن بیستم پیشرفت بسیار سریعی را تجربه کرد و خدمات مالی، پولی، گردشگری، رفاهی، اداری، شرکتی و ... بسیار سطح بالایی را به تجار بین‌المللی و شرکت‌های چندملیتی و البته شهروندان خودش ارائه می‌کند.

در همه این موفقیت‌ها نقش و رد پای دولتی تسهیل‌گر و هدایت‌گر دیده می‌شود. علی‌رغم شهرت هنگ کنگ به اقتصاد آزاد اما واقعیت آن است که دولت هنگ کنگ میزان قابل توجهی از حمایت و مدیریت و دخالت در اقتصاد و اجتماع را اعمال می‌کند (تسوی اوخ،<sup>۴</sup> ۱۹۹۸). این امر به ویژه در سیاست صنعتی مشهودتر است (هو،<sup>۵</sup> ۲۰۱۶) اما این دخالت در زمینه‌های پولی مالی قدری ظریف‌تر اعمال می‌شود و چیزی است که توسط دبیران مالی سابق هنگ کنگ (جان جی کوپرتوایت<sup>۶</sup> و سر فیلیپ هادون کیو<sup>۷</sup>) عدم مداخله‌گرایی مثبت<sup>۸</sup> توصیف شده است (شنک، ۲۰۰۱). این مفهوم فراتر از عدم مداخله‌گرایی صرف بازار آزاد است. مفهوم مثبت به نقش هماهنگ کننده و فعال دولت در پاسداری از اصول بازار آزاد اشاره دارد. یعنی تبعیت هنگ کنگ از اصول بازار آزاد و استمرار بازار مستلزم مداخله گسترده و فعال دولت در اطمینان از حصول و پاسداری اصول بازار آزاد و رفع شکست‌های بازار است (لی،<sup>۹</sup> ۲۰۱۲).

با نهادینه شدن مکانیزم بازاری در هنگ کنگ دولت این منطقه به سمت یک دولت تجاری با رعایت حد بالایی از اصول بازاری حرکت کرد. و این مورد اجماع نخبگان حاکم بود. در هنگ کنگ این دولت اجرایی بود که کشور-شهر را به

1. Commerce and Economic Development Bureau

2. Woo

3. Commerce, Industry and Tourism Branch

4. Tsui-Auch, L. S.

5. Ho, Y. P

6. John J. Coperthwaite

7. Sir Philip Haddon-Cave

8. positive non-interventionism

9. Li, K. W

سمت بازار و اصول اقتصاد آزاد هدایت کرد. با تقویت این نهاد و بلوغ بازار، دولت دست از مداخله برداشته و البته همچنان بازیگری قدرتمند در عرصه اقتصاد است (مشکات و مشکات، ۲۰۱۶). پس از واگذاری یا بازگشت هنگ‌کنگ به چین از طرف انگلیس در سال ۱۹۹۷ علیرغم تعهد طرفین به اصل "یک کشور، دو سیستم"<sup>۱</sup> و استقلال قابل توجه هنگ‌کنگ در تمامی امور به جز دفاعی و سیاست خارجی اما واقعیت آن است که رویکرد اقتصادی هنگ‌کنگ تحت تاثیر چین دچار تغییراتی شده و از آن بازارگرایی ناب دهه‌های قبل خبری نیست. نگوک (۲۰۱۶) استدلال کرد که چین از دهه ۱۹۸۰ به ساخت یک دولت اقتصادی-اداری در هنگ‌کنگ کمک کرده و این مداخلات بخشی سنگین‌تری را پس از ۱۹۹۷ پی‌ریزی کرده است که یکی از نتایجش روابط دولت چین با نخبگان تجاری هنگ‌کنگ است (فونگ<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴). اینها باعث شد تا مدل حاکمیت اقتصادی هنگ‌کنگ از عدم مداخله‌گرایی مثبت به اصل بازار بزرگ-دولت کوچک<sup>۳</sup> تبدیل شود (تسانگ<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶) و این یعنی دولت فقط کارهایی را انجام می‌دهد که بازار انجام ندهد و پر واضح است که در میانه بحران‌هایی مانند ۱۹۹۷ و ۲۰۰۸ که بازار بسیاری از مسئولیت‌های اجتماعی خود را رها کرده، دولت نقش‌های متعددی را بر عهده می‌گیرد (هاولت و لژانو<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳). این اصل به اصلاح شکست بازار خاصه در مواقع بحرانی و تقویت بازار توسط دولت و رساندن آن به ساحل آرامش کمک بسزایی نمود (هاولت و دیگران<sup>۶</sup>، ۲۰۱۵).

توسعه اقتصادی و حاکمیت هنگ‌کنگ شامل میزان قابل توجهی از مداخله و مدیریت دولت است. هرچند این مداخله به دلیل میراث استعماری انگلیس و سنت بازار آزاد و تجارت آزاد نهادینه شده در دولت‌شهر به صورت ظریفی اعمال می‌شود. هنگ‌کنگ ممکن است یکی از آزادترین بازارهای جهان را داشته باشد ولی ماهیت دولت هنگ‌کنگ به هیچ وجه بازار آزادی نیست (وو، ۲۰۱۶). در غرب محتوا و فرم هر دو بازار آزادی‌اند اما در هنگ‌کنگ فرم بازار آزادی اما محتوا دولت‌توسعه‌گرایی مداخله‌گر است اما این مداخله نه به صورت عریان و سخت بلکه بطرز ظریف و سنجیده‌ای اعمال می‌شود.

بستر بین‌المللی عامل مهمی در ظهور دولت‌های توسعه‌گرایی جنوب شرقی آسیا و در بحث ما هنگ‌کنگ محسوب می‌شود. اکثر مطالعات انجام گرفته بر روی ظهور و بروز دولت‌های توسعه‌گرا در آسیا به این نتیجه مهم منتج شده است که این دولت‌ها در موقعیت منحصر به فرد پس از جنگ جهانی دوم ظهور یافتند و عامل بستر مناسب بین‌المللی بوده است که فرصت‌های مناسبی برای توسعه اقتصادی‌شان فراهم کرد. به طور فهرست‌وار به بیان مهم‌ترین عوامل خارجی مؤثر بر ایجاد و رشد هنگ‌کنگ می‌پردازیم:

- میراث استعماری و ویژگی‌های اقتصادی، سیاسی و نهادی کشور استعمارگر یعنی انگلستان
- تلاش‌های انگلستان برای تبدیل هنگ‌کنگ به یک بندر مهم تجاری و مرکز مالی مهم و امن در شرق آسیا
- سیاست خارجی درب‌های باز در چین و انتخاب هنگ‌کنگ بعنوان دریچه ارتباط چین با جهان غرب و ارتباط جهان غرب با چین
- خطر گسترش کمونیسم و چپ‌گرایی در شرایط جنگ سرد و حمایت‌های پیدا و پنهان بلوک غرب به ویژه ایالات متحده از کشورهایی چون ژاپن، کره جنوبی و تایوان برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم در این کشورها و تلاش جهان غرب برای نشان دادن تمایز هنگ‌کنگ بعنوان منطقه آزاد با سرزمین اصلی چین که تحت سیطره کمونیسم قرار داشت.
- وجود ظرفیت‌ها و فضاهای فراوان در بازارهای بین‌المللی و جذب آن توسط دولت اجرایی هنگ‌کنگ با توجه به مزیت نسبی کشور و سایر مسائل در اقتصاد و تجارت بین‌الملل

1. One country, two systems  
 2. Fong, B. C. H  
 3. big market, small government  
 4. Tsang, D  
 5. Howlett, M. and Lejano, R. P  
 6. Howlett, M. , Mukherjee, I. , and Woo, J. J

– عدم سیطرهٔ گفتمان‌های لیبرالی حقوق بشر و دموکراسی و یا حساسیت کمتر جهان غرب به کمرنگ بودن گفتمان دموکراسی و حقوق بشر در این کشورها بدلیل جلوگیری از غلطیدن اینها به دامن کمونیسیم (لازم به یادآوری است که گفتمان‌های حقوق بشر و دموکراسی و نظایر آن به طور بالقوه عاملی مزاحم پیش روی دولت‌های توسعه‌گرا تلقی می‌شود) (آمسدن، ۱۹۸۹: ۱۲۰).

- در یک جمع‌بندی کلی سیاست‌های اقتصادی مشخص دولت که باعث خیز اقتصادی منطقه شدند، بطور فهرست‌وار عبارتند از:
  - ۱- استفاده تام و تمام از مزیت جغرافیایی و سوق‌الجیشی و تبدیل هنگ کنگ به یک مرکز دریایی مهم در شرق آسیا
  - ۲- توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل دریایی، هوایی و ترانزیتی بسیار پیشرفته در مقیاس جهانی
  - ۳- ایجاد و توسعه صنعت بانکداری بسیار امن و پیشرفته و جذب جریان‌های سرمایه از سراسر جهان و مخصوصاً شرق آسیا
  - ۴- توسعه صنعت گردشگری توسط دولت و حصول درآمد بسیار از این حوزه
  - ۵- گسترش و ارتقای بخش خدمات و سهم این بخش از تولید ناخالص داخلی

### اجزای دولت توسعه‌گرای هنگ کنگ

در بخش قبل تفاوت ظریف مدل توسعه هنگ کنگ با مدل لیبرال غربی و نیز حضور و نقش آفرینی سنجیده دولت در مسیر توسعه هنگ کنگ را بیان نمودیم. در این بخش به اجزای دولت هنگ کنگ و تطبیق آن با متغیرهای دولت توسعه‌گرای لفت ویچ خواهیم پرداخت تا بدانیم دولت اجرایی هنگ کنگ تا چه میزان دارای عناصر و مولفه‌های دولت توسعه‌گراست. چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان دولت هنگ کنگ با مدل مدنظر لفت ویچ وجود دارد.

#### الف) نخبگان توسعه‌گرا

از ۱۹۹۷ هنگ کنگ تحت حاکمیت چین بوده و طبق اصل یک کشور دو سیستم اداره می‌شود و مقصود ما از دولت هنگ کنگ سیستم اجرایی حاکم بر هنگ کنگ است که دارای استقلال قابل توجهی از دولت مرکزی چین به جز در امور دفاعی و سیاست خارجی می‌باشد. در راس این سیستم رئیس اجرایی<sup>۱</sup> قرار دارد که توسط گروه تقریباً ۱۲۰۰ نفره<sup>۲</sup> منتخبان الیت تجاری، مالی، متخصصان، الیت اصناف، رهبران کارگری، نخبگان جامعه مدنی و سیاستمداران انتخاب می‌شود (اکونومیست، ۲۰۱۷). در هنگ کنگ نخبه‌گرایی از راس شروع و البته در سطوح پایین‌تر نیز تکرار می‌شود. به تعبیر مک کرسی: "هنگ کنگ توسط صاحب منصبان تحت کنترل یک دبیرخانه تعیین شده کوچک به رهبری یک مدیر اجرایی اداره می‌شود" (مک کرسی،<sup>۳</sup> ۲۰۱۶). هیچ کدام از این صاحب منصبان نه توسط انتخابات مردمی بلکه توسط مکانیزم‌های مشخص درون سیستم بروکراسی برگزیده می‌شوند. این یکپارچگی مقامات دولتی و ادارات مجریه سیاسی و سطح بالای انزوا یعنی جدابودگی و مستقل بودن از اجتماع باعث شکل‌گیری نخبه‌حاکمیتی در این کشور شده و این گروه منتخب و منحصر به فرد قوانین کلی، سیاست اقتصادی و راهبردهای توسعه‌ای را هدایت و تعیین می‌کند. البته فعالان یا نخبگان بخش خصوصی نیز از چندین طریق می‌توانند به جمع نخبگان توسعه‌گرایی هیئت اجرایی هنگ کنگ بپیوندند که دو طریق مشهور آن عبارتست از:

- ۱- شورای قانون‌گذاری: اعضای این شورا نمایندگان حوزه‌های انتخابی کارکردی<sup>۴</sup> و حوزه‌های انتخابی جغرافیایی<sup>۵</sup> هستند. نخبگان تجاری-صنعتی به عنوان برجستگان اصناف تجاری و صنعتی می‌توانند در شورای قانون‌گذاری تاثیرگذار باشند. نقش این شورا در تصویب لوایح و اصلاحات دولتی تعیین کننده است و ۲- عضویت در کمیته انتخاب رئیس اجرایی: نخبگان

1. Chief Executive of Hong Kong

۲. در آخرین انتخابات برگزار شده در اردیبهشت ۱۴۰۱ یا می ۲۰۲۲ تعداد این هیئت به ۱۵۰۰ نفر افزایش یافت که جان لی کاپیو (John Lee Ka-chiu) ۱۴۱۶ رای مثبت به دست آورد.

3. MacCarthaigh, M

4. Legislative Council

5. Selected functional areas

6. and selected geographical areas

صنعتی-تجاری بخش مهمی از آن کمیته حدوداً ۱۲۰۰ نفره انتخاب رئیس اجرایی هستند و می‌توانند از این طریق نقش آفرینی نمایند. (وونگ<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶)

دو شورای بالا در خود مکانیزم‌های کنترل کننده و نظارتی قوی دارند که باعث می‌شود نخبگان سالم، ضد فساد، حرفه‌ای و متعهد بالا بیایند و کسانی که این ویژگی‌ها را ندارند از چرخه اداره دولت اجرایی حذف می‌شوند. بعد از ۱۹۹۷ نظارت دولت مرکزی پکن بر نخبگان دولت اجرایی منطقه بشدت افزایش پیدا کرده و نظم و همسویی با دولت مرکزی پکن نیز به ویژگی‌های نخبگان اضافه شده است.

توسعه اقتصادی هنگ‌کنگ توسط یک گروه نخبه توسعه خواه غالباً دارای خاستگاه سیاسی و بوروکراتیک و نیز تاثیرگذاری مستقیم و مهم ایت تجاری-صنعتی-مالی و اصناف گوناگون راهبری می‌شود که یکی از نمونه‌های عالی نخبه‌گرایی در سطوح گوناگون را به نمایش گذاشته است.

## ب) سازمان راهبری<sup>۲</sup>

گفتیم که در دولت‌های توسعه‌گرا توسعه توسط یک سازمان راهبری هدایت می‌شود که وظیفه آن نظارت اقتصادی و ترویج بازار است. در هنگ‌کنگ اداره بازرگانی و توسعه اقتصادی<sup>۳</sup> بعنوان سازمان راهبری با ۵ هدف زیر امر توسعه را به پیش می‌برد (اداره بازرگانی و توسعه اقتصادی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۱):

- توسعه هنگ‌کنگ بعنوان یک مرکز پیشرو تجارت و بازرگانی بین‌المللی
- ارتقاء یک محیط مناسب برای تجارت و جذب سرمایه‌گذاری
- تثبیت هنگ‌کنگ بعنوان مرکز برتر ارتباطات از راه دور آسیا
- توسعه حداکثری فعالیت‌های خلاقانه و ارزش افزوده
- اطمینان از یکپارچگی اقتصادی نزدیکتر بین هنگ‌کنگ و منطقه دلتای رودخانه مروارید

این اداره محصور در امور بازرگانی نبوده و دارای بخش‌های صنعتی، گردشگری، ارتباطات و صنایع خلاق است. این اداره مسئول توسعه روابط خارجی هنگ‌کنگ، توسعه سرمایه‌گذاری‌های داخلی، حمایت از اموال معنوی یا مالکیت معنوی، حمایت از صنایع و کسب و کار، ارتقا گردشگری، توسعه صنایع خلاق، صنایع سینمایی، ارتباطات از راه دور و طیف گوناگونی از مسئولیت‌های مرتبط با توسعه را بر عهده دارد (اداره بازرگانی و توسعه اقتصادی، ۲۰۱۱). این اداره بالاتر از سطح سازمانی و در سطح وزرا دپارتمان قرار داشته و البته چندین وظیفه غیر مرتبط با توسعه مانند سانسور رسانه‌ها و حمایت از دارایی‌های معنوی را نیز عهده دار است. لازم به ذکر است که بحث مالکیت معنوی و فکری برای حفظ و حراست از افکار نوآورانه و کارآفرین و محافظت از شرکت‌های خصوصی بحثی مهم در نونهادگرایی<sup>۵</sup> است و این توجه هنگ‌کنگ به این مسئله است که این کشور را به فضای مناسب و ایده‌آل تجاری-مالی تبدیل کرده است.

اداره بازرگانی و توسعه اقتصادی از روش‌های بسیار مداخله‌گرایانه برای اصلاح شکست بازار و ارتقای آن استفاده می‌کند. این را می‌توان در تزریق منابع مالی برای تحریک تولید و عرضه در صنایع مختلف کارخانه‌ای و غیر کارخانه‌ای مشاهده نمود (اداره بازرگانی و توسعه اقتصادی، ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷). علاوه بر اداره بازرگانی و توسعه اقتصادی و نیز به دلیل اهمیت بخش مالی در توسعه هنگ‌کنگ و لزوم نگاه ویژه به آن، اداره خزانه‌داری هنگ‌کنگ<sup>۶</sup> متولی امور پولی مالی

1. Wong, C  
 2. Pilot agency  
 3. Commerce and Economic Development Bureau  
 4. Commerce and Economic Development Bureau  
 5. neo-institutionalism  
 6. Financial Services and the Treasury Bureau

هنگ کنگ این مرکز مالی مهم بین‌المللی را عهده‌دار است و بنوعی سازمان راهبری هنگ کنگ در امور پولی مالی محسوب می‌شود (خدمات مالی و دفتر خزانه‌داری<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱).

### ج) استقلال نسبی دولت

یکی از نتایج عدم حق رای عمومی سطح بالای استقلال و اقتدار دولت اجرایی است. جدایی بروکراسی اجرایی از گروه‌های اجتماعی میراث استعمار انگلیس است که به خوبی حفظ شده است. انگلیس همواره سعی در جداسازی طبقه حاکمه از توده در مستعمرات خود داشت (لاو و لیو<sup>۲</sup>، ۱۹۸۴). این عدم فشار اجتماعی منجر به تداوم و ثبات در سیستم اداری هنگ کنگ شده است. البته ثبات بروکراتیک و استقلال بسیار بالای دولت از طبقات و گروه‌های اجتماعی به معنای جدایی کامل دولت از آنها نیست. عناصر تجاری و صنعتی روابط ویژه‌ای با دولت داشته و تحت انحای گوناگون مانند حضور موثر در شورای اجرایی یا شورای قانون گذاری بر سیاست‌های دولت تاثیرگذارند (نگوک، ۲۰۱۶). در هنگ کنگ شاهد جدایی دولت-اجتماع و همپوشانی دولت-کسب‌وکار-تجارت هستیم که به نوعی استقلال بالای دولت از همه طبقات و همزمان تعامل بسیار خوب با طبقه سرمایه‌دار مخصوصاً تجاری را نشان می‌دهد. میتوان گفت دولت هنگ کنگ بیشتر دولت نهادینه است تا اینکه استقلال کامل از جامعه داشته باشد، بوسیله مجاری رسمی و تعیین شده نهادی از جامعه و گروه‌های تجاری تاثیر می‌پذیرد اما توانایی طبقه سرمایه‌دار تجاری بر تاثیر بر سیاست‌های دولتی مطلق نبوده و دولت هنگ کنگ نسبت به نفوذ سیاسی، اجتماعی و تلاش‌های لابی‌گرایانه از کانال‌های غیررسمی به شدت مقاوم و نفوذ ناپذیر است (پینتر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵).

### د) مدیریت منافع اقتصادی غیر دولتی

همانطور که گفته شد طبقه تجاری چه از طریق مشارکت فعال در انتخاب رئیس اجرایی و چه از طریق کانال‌هایی مانند شورای قانون گذاری بازیگری مهم در حاکمیت اقتصادی هنگ کنگ محسوب می‌شود. در اینجا لازم است به نکته مهمی اشاره کنیم و آن نقش مهم دولت پکن در تقویت طبقه سرمایه‌دار وابسته به خود در هنگ کنگ است. دولت مرکزی چین برای تضعیف میراث سیاسی و نظام اداری استعمار انگلیس، مدیریت تغییرات از انگلیس به قوانین چین را به سرمایه‌داران تجاری وابسته و وفادار خود واگذار و از این طریق نهادهای سیاسی هنگ کنگ را به انحصار این طبقه وابسته به خود درآورد (گودستاد<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰). نفوذ سیاسی چین در مجلس انتخاب رئیس اداره اجرایی نیز مشهود است به طوری که اعضای کمیته انتخابات اغلب طرفدار پکن هستند (لیم<sup>۵</sup>، ۲۰۱۷ و وونگ، ۲۰۱۷). حضور سه بازیگر دولت مرکزی چین، دولت اجرایی هنگ کنگ و طبقه سرمایه‌دار تجاری وضعیت پیچیده‌ای را رقم زده است اما دولت اجرایی هنگ کنگ با اتکا به اصل یک کشور دو سیستم همچنان نقشی محوری در مدیریت منافع اقتصادی طرف‌های گوناگون در فرایند توسعه ایفا می‌کند. هرچا لازم باشد سیاست‌های مداخله‌گرایانه برای مدیریت تعارضات و اصلاح شکست بازار اعمال می‌کند اما همچنان خود را متعهد به اصول بازار آزادی مانند دکترین عدم مداخله‌گرایی مثبت و حفظ هنگ کنگ به عنوان مرکز مالی و ایده‌آل بین‌المللی دانسته و از این طریق منافع بخش خصوصی را نیز تامین می‌نماید (وو، ۲۰۱۵).

### ه) جامعه مدنی

علی‌رغم عدم حق رای عمومی و دولت به شدت نخبه‌گرا، هنگ کنگ دارای یک جامعه مدنی پرتحرک، آزادی‌های اجتماعی و مدنی نسبتاً بالا، مطبوعات آزاد و دادگاه‌های مستقل است (ما<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷-۲۰۰۸). محققان (وونگ و چان<sup>۷</sup>، ۲۰۱۷) دلایل

1. Financial Services and the Treasury Bureau
2. Lau, S. and Liu, Z
3. Painter, M
4. Goodstadt, L. F
5. Lim, J
6. Ma, N
7. Wong, Y. C. and Chan, J. K. H

زیادی را برای قدرت جامعه مدنی در هنگ‌کنگ ذکر کرده‌اند. میراث استعمار انگلیس، تلاش برای ایجاد تمایز با چین کمونیست، ورود نخبگان و مهاجران چینی، حضور پررنگ مردمان غربی در شرکت‌های خصوصی و شهر از جمله این دلایل است. اما پس از واگذاری و با افزایش سیاست‌های بالا به پایین روابط دولت-جامعه به نفع دولت که مستطهر به نقش قوی دولت مرکزی پکن است تغییر کرده و دولت اجرایی هنگ‌کنگ به تعاریف دولت توسعه‌گرایی کلاسیک نزدیک‌تر شده و با وضع قوانین امنیت ملی سعی در محدودسازی جامعه مدنی و جلوگیری از ناآرامی‌ها دارد (چونگ<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷). هنگ‌کنگ بعنوان دموکراسی ناقص در فهرست دموکراسی واحد اطلاعات اکونومیست توصیف شده است (واحد اطلاعات اکونومیست، ۲۰۱۶) و در شاخص آزادی مطبوعات در رتبه ۷۴ ام جهانی قرار گرفته است (گزارشگران بدون مرز<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷). لازم به ذکر است واگذاری هنگ‌کنگ به چین به مذاق جامعه مدنی هنگ‌کنگ خوش نیامده و جنبش‌های اعتراضی از اقتصاد محوری به سیاست محوری شیفت کرده‌اند که جنبش چتر<sup>۳</sup> یا استقلال نمونه‌هایی از آن هستند (وونگ و چان، ۲۰۱۷). با این حال قدرت دولت اجرایی بالاست و توانسته جنبش‌های اعتراضی را بخوبی مدیریت کند.

### ی) مشروعیت اجرایی

دولت هنگ‌کنگ مشروعیت سیاسی خود را به جای اخذ از مراجعی مانند انتخابات آزاد و دموکراتیک از قابلیت‌های اجرایی و اداری، رشدهای اقتصادی شتابان، تبدیل شهر به مرکز مالی مهم بین‌المللی و تاثیرات مثبت آن بر سطح رفاه شهروندان اخذ می‌کند. از دوران استعمار تاکید بر حصول اهداف واقع‌گرایانه و ترجیح پیشرفت اقتصادی و مسئله توسعه بر دموکراسی و حقوق بشر مشاهده می‌شود (نگوک، ۲۰۱۱). در هنگ‌کنگ رهبران کارآمد، لایق، فساد ستیز، منظم و توسعه‌گرا با نوعی مدیریت پدر مآبانه به پیشروی و راهبری امر توسعه می‌پردازند. علاوه بر مشروعیت اجرایی آزادی‌های اجتماعی گسترده نیز خلاء دموکراسی ناقص را جبران می‌کند. به تعبیری دولت هنگ‌کنگ با برآورده ساختن خواسته‌های عمومی و تامین ثبات و رفاه و آزادی‌های مدنی به مشروعیت سیاسی اش دست یافته است. واقعیت دیگر آنکه مشروعیت سیاسی هنگ‌کنگ پس از واگذاری به چین دچار افت شده چرا که تلاش‌های دولت اجرایی هنگ‌کنگ برای سازگاری نهادی با چین کمونیست و نیز تلاش‌های چین برای ادغام هنگ‌کنگ در سرزمین اصلی به اقتدارگرایی بیشتر دولت انجامیده است.

### بحث و نتیجه‌گیری

توسعه فراتر از رشد اقتصادی صرف بوده و مستلزم تغییرات رادیکال در نظام اجتماعی و نیز صنعتی شدن است. توسعه وضعیتی است که از یک مبدا نامطلوب به یک مقصد مطلوب گذار می‌شود. دولت‌های آسیای شرقی توانستند با کاربست درست نظریات مدرنیته و توجه به مراحل تاریخی و آغازین توسعه و درک عدم وجود نسخه واحد برای همه کشورها و تفاوت در بسترهای آسیای شرقی با جهان غرب سیاست‌هایی را اتخاذ کنند که برای بستر کشورشان مفید و موثر باشد. در حقیقت کشورهای آسیای شرقی بومی‌سازی مدرنیته با توجه به بسترهای خاص سیاسی، اجتماعی، اقتصادی خاص هر کشور را دنبال نمودند و این رمز موفقیت آنها بود. در این مدل کلیدی‌ترین نقش متعلق به دولت است. این دولت است که امر توسعه را راهبری می‌کند و هر دولتی نمی‌تواند امر توسعه را جلو ببرد و تنها دولت‌هایی می‌توانند گذار توسعه‌ای را راهبری کنند که دارای جهت‌گیری‌های توسعه‌ای بوده که لفت ویچ شش ویژگی برای چنین دولتی ذکر می‌کند. نخبگان توسعه محور، استقلال نسبی دولت، قدرت بوروکراتیک، جامعه مدنی ضعیف، مدیریت موثر منافع اقتصادی غیر دولتی و مشروعیت عملکردی. تاسیس هنگ‌کنگ مدرن به ۱۸۴۲ برمی‌گردد و این منطقه تا سال ۱۹۹۷ تحت کنترل انگلستان و سپس به خاک اصلی چین اضافه شد اما همچنان دارای استقلال در همه امور بجز امور نظامی و سیاست خارجی است. این کشور از اواسط قرن

1. Cheung, T  
2. Reporters Without Borders  
3. umbrella movement

نوزدهم تا امروز یکی از مهمترین بنادر جهان بوده و هم اکنون نیز سومین مرکز مالی مهم بین‌المللی دارای تولید ناخالص داخلی بالا و جهش‌های اقتصادی در نیمه دوم قرن بیستم و نیز اوایل قرن بیست و یکم بوده است. هنگ کنگ خود را متعهد به اصول بازار آزاد می‌داند و از این جهت یکی از آزادترین اقتصادهای جهان را داراست اما نقش دولت در تسهیل این روند و نیز توسعه هنگ کنگ غیرقابل انکار است. مدل توسعه هنگ کنگ علی‌رغم شباهت‌های فراوان به مدل لیبرال غربی که میراث سنت انگلیسی حاکم بر منطقه است، دارای تفاوت‌هایی با آن مدل‌هاست. در هنگ کنگ دولت دارای نقش مهم تسهیل‌گری و هدایت‌گری در اقتصاد است و البته این مداخله به شکل ظریف و سنجیده‌ای اعمال می‌شود. این کار بوسیله دکتترین عدم مداخله‌گرایی مثبت و اصل بازار بزرگ-دولت کوچک به پیش رفت. دکتترین عدم مداخله‌گرایی مثبت یعنی دولت تمایل به تسهیل و تکمیل شکست‌ها و نواقص بازار از طریق مداخلات سیاستی و محرک دارد. اصل بازار بزرگ و دولت کوچک نیز یعنی دولت فقط کارهایی را انجام می‌دهد که بازار انجام ندهد. این اصل شامل دخالت بسیار انتخابی از سوی دولت برای اطمینان از پویایی عملکرد بازار بویژه در هنگامه بحران و شکست بازار دارد.

دولت هنگ کنگ دارای سیستم ویژه‌ای است و در راس این سیستم رئیس اجرایی قرار دارد که توسط گروه تقریباً ۱۲۰۰ الی ۱۵۰۰ نفره منتخبان الیت تجاری، مالی، متخصصان، الیت اصناف، رهبران کارگری، نخبگان جامعه مدنی و سیاستمداران انتخاب می‌شود. توسعه اقتصادی هنگ کنگ توسط یک گروه نخبه توسعه خواه غالباً دارای خاستگاه سیاسی و بوروکراتیک و نیز تاثیرگذاری مستقیم و مهم الیت تجاری-صنعتی-مالی و اصناف گوناگون راهبری می‌شود که یکی از نمونه‌های عالی نخبه‌گرایی در سطوح گوناگون را به نمایش گذاشته است.

اداره بازرگانی و توسعه اقتصادی و اداره خزانه‌داری هنگ کنگ به عنوان دو سازمان راهبری مرکزی امر توسعه را از طریق روش‌های بسیار مداخله‌گرایانه برای اصلاح شکست بازار و ارتقای آن مانند تزریق منابع مالی برای تحریک تولید و عرضه در صنایع مختلف کارخانه‌ای و غیر کارخانه‌ای به پیش می‌برد.

یکی از نتایج عدم حق رای عمومی سطح بالای استقلال و اقتدار دولت اجرایی است. دولت با الیت جامعه مخصوصاً الیت تجاری دارای روابط ویژه‌ای است. در هنگ کنگ شاهد جدایی دولت-اجتماع و همپوشانی دولت-کسب و کار-تجارت هستیم که به نوعی استقلال بالای دولت از همه طبقات و همزمان تعامل بسیار خوب با طبقه سرمایه‌دار مخصوصاً تجاری را نشان می‌دهد. می‌توان گفت دولت هنگ کنگ بیشتر دولت نهادینه است تا اینکه استقلال کامل از جامعه داشته باشد.

دولت اجرایی هنگ کنگ با اتکا به اصل یک کشور دو سیستم همچنان نقشی محوری در مدیریت منافع اقتصادی طرف‌های گوناگون در فرایند توسعه ایفا می‌کند. هرچا لازم باشد سیاست‌های مداخله‌گرایانه برای مدیریت تعارضات و اصلاح شکست بازار اعمال می‌کند اما همچنان خود را متعهد به اصول بازار آزادی مانند دکتترین عدم مداخله‌گرایی مثبت و حفظ هنگ کنگ به عنوان مرکز مالی و ایده‌آل بین‌المللی دانسته و از این طریق نیز خود را متعهد به پاسداشت منافع بخش خصوصی می‌داند.

هنگ کنگ برخلاف سایر دولت‌های توسعه‌گرای شرق آسیا دارای یک جامعه مدنی قوی، آزاد و پر تحرک است که یادگار میراث انگلیس و نیز تمایز گذاری بین هنگ کنگ و سرزمین اصلی (چین کمونیست) است اما دولت هنگ کنگ در طول دهه‌های گذشته بخوبی توانسته این جامعه مدنی را مدیریت کند و از سال ۱۹۹۷ به اینسو بر قدرت دولت در کنترل جامعه مدنی افزوده شده است چرا که دولت هنگ کنگ مستظهر به حمایت دولت مرکزی پکن نیز شده است.

دولت هنگ کنگ مشروعیت سیاسی خود را به جای مراجعی مانند انتخابات آزاد و دموکراتیک از قابلیت‌های اجرایی و اداری، رشدهای اقتصادی شتابان، تبدیل شهر به مرکز مالی مهم بین‌المللی و تاثیرات مثبت آن بر سطح رفاه شهروندان می‌گیرد. از دوران استعمار تاکید بر حصول اهداف واقع‌گرایانه و ترجیح پیشرفت اقتصادی و مسئله توسعه بر دموکراسی و حقوق بشر مشاهده می‌شود.

پس دولت هنگ کنگ توانست با ثبات بوروکراتیک و در نتیجه ثبات بالا در اقتصادکلان و نگاه برون‌نگر و ویژگی‌هایی مانند نخبگان توسعه‌گرا منتخب و رابطه هدفمند با الیت تجاری-مالی، قدرت دیوانسالاری و توانایی فنی بالا، استقلال نسبی

از طبقات و گروه‌های اجتماعی و مدیریت جامعه مدنی، مشروعیت عملکردی و توانایی بالا امر توسعه را راهبری کرده و هنگ‌کنگ را از یک منطقه کم‌اهمیت به مرکز مهم مالی-ترانزیتی جهان‌گذار دهد و از این جهت دارای عیار بالایی از توسعه‌گرایی به سبک دولت‌توسعه‌گرایی لفت و ویچ بوده هرچند نسبت به سایر دولت‌های توسعه‌گرای شرق آسیا دارای وزن لیبرالیستی و بازار آزادی بیشتری بوده و از این منظر لیبرال‌ترین دولت‌توسعه‌گرای شرق آسیا به شمار می‌رود.

در مورد تفاوت‌های دولت توسعه‌گرای هنگ‌کنگ در قبل و بعد ۱۹۹۷ و الحاق مجدد به چین باید گفت چون در امور اقتصادی و اجرایی و تقریباً همه سایر بخش‌ها به‌جز سیاست خارجی و دفاعی عملکردی مستقل از کشور چین دارد، تفاوت‌چندانی در ویژگی‌ها و کارکردهای توسعه‌ای اش بوجود نیامده بجز در دو مورد: نخبگان توسعه‌گرا و جامعه مدنی. نخبگان توسعه‌گرای بعد از ۱۹۹۷ بشدت همسو و متمایل به دولت مرکزی چین و بنوعی با مهندسی آن انتخاب می‌شوند در حالیکه قبل ۱۹۹۷ انتخاب نخبگان اجرایی به شکل آزادتر و دموکراتیک‌تری برگزار می‌شد. در باب جامعه مدنی هم کنترل دولت اجرایی و نیز دولت مرکزی چین بر جامعه مدنی هنگ‌کنگ در جهت مقابله با جنبش‌های استقلال‌طلبانه مانند جنبش چتر افزایش پیدا کرده است.

## منابع

- بشیریه، ح. (۱۴۰۴). *جامعه‌شناسی سیاسی*، چاپ چهاردهم، تهران، نشر نی.
- صافی‌اردهایی، س. (۱۴۰۳). *تقابل سیاست و صنعت در ایران*، تهران: انتشارات چاپ و نشر بازرگانی.
- لفت ویچ، آ. (۱۴۰۰). *دولت‌های توسعه‌گرا؛ پیرامون اهمیت سیاست در توسعه*، ترجمه جواد افشارکهن، تهران: نشر پبله.
- موثقی، ا. (۱۴۰۱). *اداره امور توسعه و سیاستگذاری توسعه‌ای*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- موثقی، ا. (۱۳۹۶). *اقتصادسیاسی آسیای جنوب شرقی*، تهران: انتشارات قومس.
- موثقی، س.ا. (۱۳۹۶). گذار توسعه‌ای در آسیای شرقی. *فصلنامه سیاست*، ۴۷ (۴).
- هانتینگتون، س. (۱۴۰۰). *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علم.
- هایامی، ی. (۱۴۰۵). *اقتصاد توسعه؛ فقر و ثروت ملل*، ترجمه غلامرضا آزاد، تهران، نی.

## References

- Amsden, A. (1990). Third World Industrialization: Global Fordism or a New Global, *New Left Review*. 182, July-August, 5-31.
- Amsden, A. (1989). *Asia's Next Giant*. New York: Oxford University Press.
- Asian Development Bank (2002). *Growth and Poverty: Lessons from the East Asian Miracle Revisited*. Tokyo: Asian Development Bank.
- Bashirieh, H. (1404). *Political Sociology*, 14th edition, Tehran, Ney Publishing House. [In Persian]
- Chan, E. and Chan, J. (2017). Hong Kong 2007–2017: A backlash in civil society. *Asia Pacific Journal of Public Administration*, 39 (2), 135–152.
- Chang, H. J. (2002). *Kicking away the ladder: development strategy in historical perspective*. London (UK): Anthem Press.
- Chang, H-J. (2007a). *Bad Samaritans. The Myth of Free Trade and the Secret History of Capitalism*. London: Random House; New York: Bloomsbury USA.
- Chang, H-J. (2007b). Policy Space in Historical Perspective, with Special Reference to Trade and Industrial Policies, *Economic and Political Weekly* 41(7): 627–33.
- Chang, H-J. (2010). *23 Things They Don't Tell You About Capitalism*. London: Penguin Group.
- Cheung, T. (2017). Beijing will take action if city fails to enact national security law [online]. South China Morning Post. Available from: <http://www.scmp.com/news/hongkong/politics/article/2120319/beijing-will-take-action-if-hongkong-fails-enact-national> [Accessed 17 Nov 2017].
- Commerce and Economic Development Bureau (2011a). Commerce and Economic Development Bureau – Mission [online]. Government of the Hong Kong Special Administrative Region. Available from: <http://www.cedb.gov.hk/about/mission.htm> [Accessed 18 Oct 2017].

- Commerce and Economic Development Bureau (2011b). Commerce and Economic Development Bureau – Home [online]. Government of the Hong Kong Special Administrative Region. Available from: <http://www.cedb.gov.hk/about/index.htm> [Accessed 18 Oct 2017].
- Commerce, Industry and Tourism Branch (2024). Policy Initiatives of Commerce, Industry and Tourism Branch. Hong Kong: Government of the Hong Kong Special Administrative Region.
- Countryeconomy (2025). Reports and data related to the Hong Kong economy. Available from: <https://countryeconomy.com/gdp/hong-kong>.
- Economist Intelligence Unit (2016). *Democracy Index 2016*. London, UK: Economist Intelligence Unit.
- Evans, P. B. (1985). *Transnational Linkages and the Economic Role of the State: An Analysis of Developing and Industrialized Nations in the Post-World War II Period*. In: P. B. Evans, D. Rueschemeyer, and T. Skocpol, eds. *Bringing the State Back In*. Cambridge: Cambridge University Press, 192–226.
- Evans, P. B. (1989). Predatory, developmental, and other apparatuses: A comparative political economy perspective on the Third World state. *Sociological Forum*, 4 (4), 561–587.
- Evans, P. B. (2014). *The Capability Enhancing Developmental State: Concepts and National Trajectories*. In: E. M. Kim and P. H. Kim, eds. *The South Korean Development Experience*. London, U. K: Palgrave Macmillan UK, 83–110.
- Financial Services and the Treasury Bureau (2003). Financial Services Branch – About Us [online]. Government of the Hong Kong Special Administrative Region. Available from: <http://www.fstb.gov.hk/fsb/aboutus/welcome/index.htm> [Accessed 19 Oct 2017].
- Financial Services and the Treasury Bureau (2013). Financial Services and the Treasury Bureau: Home [online]. Government of the Hong Kong Special Administrative Region. Available from: <http://www.fstb.gov.hk/en/index.htm> [Accessed 19 Oct 2017].
- Fong, B. C. H. (2014). The Partnership between the Chinese Government and Hong Kong's Capitalist Class: Implications for HKSAR Governance, 1997–2012. *The China Quarterly*, 217, 195–220.
- Goodstadt, L. F. (2000). China and the Selection of Hong Kong's Post- Colonial Political Elite. *The China Quarterly*, 163, 721–741.
- Government of Hong Kong Special Administrative Region (2014). Policy Address 2014. Hong Kong: Government of the Hong Kong Special Administrative Region.
- Hayami, Yujiro (1405). *Development Economics; Poverty and Wealth of Nations*, translated by Gholamreza Azad, Tehran, Ney. [In Persian]
- Huntington, S. (1400). *Political System in Societies Undergoing Transformation*, translated by Mohsen Salasi, Tehran, Elm Press. [In Persian]
- Ho, Y. –P. (2016). *Trade, Industrial Restructuring and Development in Hong Kong*. London: Macmillan.
- Hong Kong Trade Development Council (2024). Economic and Trade Information on Hong Kong.
- Howlett, M. and Lejano, R. P. (2013). Tales From the Crypt: The Rise and Fall (and Rebirth?) of Policy Design. *Administration & Society*, 45 (3), 357–381.
- Howlett, M, Mukherjee, I. and Woo, J. J. (2015). From Tools to Toolkits in Policy Design Studies: The New Design Orientation and Policy Formulation Research. *Policy and Politics*, 43 (2), 291–311.
- Hsu, J. (2017). *State transformation and the evolution of economic nationalism in the East Asian developmental state: the Taiwanese semiconductor industry as case study*. Transactions of the Institute of British Geographers, 1–13.
- IMD (2017). World Competitiveness Yearbook 2017. Lausanne, Switzerland: IMD.
- Johnson, C. A. (1982). *MITI and the Japanese Miracle: The Growth of Industrial Policy, 1925–1975*. 1st ed. Stanford, California: Stanford University Press.
- Lau, S. and Liu, Z. (1984). *Society and Politics in Hong Kong*. Chinese University Press.
- Leftwich, A. (1995). Bringing politics back in: Towards a model of the developmental state. *Journal of Development Studies*, 31 (3), 400–427.
- Leftwich, A. (1400). *Developmental States; On the Importance of Politics in Development*, Translated by Javad Afshar Kohan, Tehran: Pile Publishing House. [In Persian]
- Li, K. W. (2012). *Economic Freedom: Lessons of Hong Kong*. 1<sup>st</sup> ed. Singapore: World Scientific Publishing Company.
- Lim, J. (2017). What you need to know about the Hong Kong Chief Executive Election [online]. *The Straits Times*. Available from: <http://www.straitstimes.com/asia/eastasia/what-youneed-toknow-about-the-hong-kong-chief-executive-election> [Accessed 11 Nov 2017].
- Low, L. (2001a). The Singapore developmental state in the new economy and polity. *The Pacific Review*, 14 (3), 411–441.
- Low, L. (2001b). *The Political Economy of a City-State: Government Made Singapore*. Oxford: Oxford University Press.

- Low, L. (2003a). *Sustaining the competitiveness of Singapore Inc in the knowledge-based global economy*. In: R. S. Rajan, ed. *Sustaining Competitiveness in the New Global Economy: The Experience of Singapore*. Cheltenham, UK: Edward Elgar Publishing, 135.
- Low, L. (2003b). Singapore Inc: A success story. *Journal of International Affairs*, 10 (1), 49–63.
- Low, L. (2006). *The Political Economy of a City-State Revised*. Singapore: Marshall Cavendish.
- Low, L. (2001a). The Singapore developmental state in the new economy and polity. *The Pacific Review*, 14 (3), 411–441.
- Low, L. (2001b). *The Political Economy of a City-State: Government Made Singapore*. Oxford: Oxford University Press.
- Ma, N. (2007). *Political Development in Hong Kong: State, Political Society, and Civil Society*. Hong Kong: Hong Kong University Press.
- Ma, N. (2008). Civil Society and Democratization in Hong Kong: Paradox and Duality. *Taiwan Journal of Democracy*, 4 (2), 155–175.
- MacCarthaigh, M., Painter, M., and Yee, W. –H. (2016). Managing for Legitimacy: Agency Governance in Its ‘Deep’ Constitutional Context. *Public Administration Review*, 76 (3), 496–506.
- Movasaghi, A. (1401). *Department of Development Affairs and Development Policy*, Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
- Movasaghi, A. (1396). *Political Economy of Southeast Asia*, Tehran: Qomes Press. [In Persian]
- Movasaghi, S. A. (1396). Developmental Transition in East Asia. Quarterly *Journal of Politics*, 47(4), 1065–1083. doi:10.22059/jpq.2017.222068.1006977. [In Persian]
- Mushkat, M. and Mushkat, R. (2016). The Political Economy of Constitutional Incrementalism in Hong Kong. *Northwestern Interdisciplinary Law Review*, 9, 1–46.
- Ngok, M. (2011). Value Changes and Legitimacy Crisis in Postindustrial Hong Kong. *Asian Survey*, 51 (4), 683–712.
- Ngok, M. (2016). The Making of a Corporatist State in Hong Kong: The Road to Sectoral Intervention. *Journal of Contemporary Asia*, 46 (2), 247–266.
- Painter, M. (2005). Transforming the Administrative State: Reform in Hong Kong and the Future of the Developmental State. *Public Administration Review*, 65 (3), 335–346.
- Reporters Without Borders (2017). 2017 World Press Freedom Index. Paris, France: Reporters Without Borders.
- Polanyi, K. (2001). *The Great Transformation*, Boston: Beacon Press.
- Reed, H. C. (1980). The Ascent of Tokyo as an International Financial Center. *Journal of International Business Studies*, 11 (3), 19–35.
- Schenk, C. R. (2001). *Hong Kong as an International Financial Centre: Emergence and development 1945–1960*. New York: Routledge.
- Statista (2024). Data related to the Iranian economy. Available from: <https://www.statista.com/statistics/294233/iran-gross-domestic-product-gdp/>
- The Economist (2017). How Hong Kong picks its chief executives [online]. The Economist. Available from: <https://www.economist.com/blogs/economistexplains/2017/03/economist-explains-19> [Accessed 9 June 2017].
- Tsang, D. (2006). *Big Market, Small Government*. Hong Kong: The Government of Hong Kong Special Administrative Region, Press Release.
- Tsui-Auch, L. S. (1998). Has the Hong Kong Model Worked? Industrial Policy in Retrospect and Prospect. *Development and Change*, 29(1), 55–79.
- Wade, R. (1990). *Governing the Market: Economic Theory and the Role of Government in East Asian Industrialization*. New Jersey: Princeton University Press.
- Wissink, B., Koh, S. Y., and Forrest, R. (2017). *Tycoon City: Political Economy, Real Estate and the Super-Rich in Hong Kong*. In: R. Forrest, S. Y. Koh and B. Wissink, eds. *Cities and the Super-Rich*. Palgrave Macmillan, New York, 229–252.
- Wong, C. (2016). What Exactly Is Hong Kong’s Legislative Council? [online]. The Diplomat. Available from: <https://thediplomat.com/2016/09/what-exactly-is-hongkongslegislative-council/> [Accessed 6 Nov 2017].
- Wong, M. Y. H. (2017). *Comparative Hong Kong Politics*. Singapore: Palgrave.
- Wong, Y. C. and Chan, J. K. H. (2017). Civil disobedience movements in Hong Kong: a civil society perspective. *Asian Education and Development Studies*, 6 (4), 312–332.
- Woo, J. J. (2015a). Beyond the Neoliberal orthodoxy: Alternative financial policy regimes in Asia’s financial centre. *Critical Policy Studies*, 9 (3), 297–316.

- 
- Woo, J. J. (2015b). Policy Relations and Policy Subsystems: Financial policy in Hong Kong and Singapore. *International Journal of Public Administration*, 38 (8), 553–561.
- Woo, J. J. (2016a). *Business and Politics in Asia's Key Financial Centre – Hong Kong, Singapore and Shanghai*. 1st ed. Singapore: Springer.
- World Bank. [www.worldbank.org](http://www.worldbank.org) world development indicators, various year.
- Zhu, Y. (2011). Performance Legitimacy and China's Political Adaptation Strategy. *Journal of Chinese Political Science*, 16 (2), 123–140.

## The Role of State in Hong Kong's Developmental Transition

Saeed Safi Ardahai<sup>\*1</sup>  | Rajab Izadi<sup>2</sup> 

1. Corresponding Author\*, PhD candidate in political science majoring in public policy, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: [saeedsafi@ut.ac.ir](mailto:saeedsafi@ut.ac.ir)
2. Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran. Email: [r.izadi@tabrizu.ac.ir](mailto:r.izadi@tabrizu.ac.ir)

### ARTICLE INFO

#### Article type:

Research Paper

#### Article History:

**Received:** 26 October 2024

**Accepted:** 04 June 2026

**Published:** 30 June 2026

#### Keywords:

Hong Kong, developmental state, developmental transition, Hong Kong development, political economy of development

### ABSTRACT

This research attempts to examine the role of the government in Hong Kong's developmental transition using analytical methods and documentary data, and how the government plays the role of developmental policymaking and the characteristics of such a government. By analyzing the components of this government, we can understand what made the Hong Kong government play a key role in this developmental transition. The main question of the research is: What has been the role of the government in Hong Kong's development path and what characteristics does this government have that enabled it to guide the developmental transition? The data were analyzed using text analysis, and the discussions of developmental transition and developmental government constitute the theoretical literature of the present study. The research findings show that development goes beyond economic growth and requires radical changes in the social system and industrialization through the unique and special role and function of the developmental state. Hong Kong has also succeeded in transitioning to a relatively developed economic state by playing a special role of the state and using macro-components such as positive non-interventionism, the principle of big market-small government, very high executive and economic stability, a facilitating state, subtle and deliberate government intervention to reform and complement the market mechanism, and an outward-looking outlook. The Hong Kong government was able to lead development because it had characteristics such as a development-oriented elite selected from a relatively comprehensive group of economic, political, administrative, and business elites, bureaucratic power and high technical ability along with a meritocratic bureaucratic system, relative independence from social classes and groups and at the same time a special and purposeful relationship with the private business sector, dynamic and strong civil society management, functional legitimacy, and high ability to effectively manage non-state economic interests.

**Cite this article:** Safi Ardahai, S., Izadi, R. (2026). The Role of State in Hong Kong's Developmental Transition. *Journal of Economic & Developmental Sociology*, 15 (1), 207-226



© The Author(s) . Publisher: University of Tabriz Press.



[10.22034/jeds.2026.69677.1902](https://doi.org/10.22034/jeds.2026.69677.1902)